

مبانی تعریف

## تحقیقات حقوقی



( ترجمه و تحریر ) \*

### مقدمه

نظر به اینکه مفاهیم « تحقیق » و « حقوق » در هاله‌ای از ابهام قرار دارند بنابراین تعریف « تحقیق حقوقی » آسان نیست. علاوه بر این در بررسی کوتاه حاضر نمی‌توان، در باره مفهوم « حقوق » به ژرف‌نگری پرداخت. در این زمینه به اختصار می‌گوئیم که حقوق مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و موازین سلوک و رفتار است که از طرف مقامات رسمی عمومی که مأمور اداره و هدایت جوامع انسانی اند برای اداره امور عرضه میشوند و مبنای منشائی متکی به وحی الهی، یا اساطیری و بشری دارند.

از تحقیق نیز یک تعریف مطلق وجود ندارد هر تعریفی، در این زمینه، نسبی است و با استفاده از تحقیق مورد نظر و کاربرد آن مربوط است.

راستی را بخواهیم، تعبیر تحقیق هم مانند بسیاری از تعابیر از قبیل تعبیر « علم » قربانی موقعیت موفقیت‌آمیز خویش است؛ در این مقام نیز همچون موارد دیگر لفاظی از اعتبار مفاهیم کاسته است، آنچنان که به روشنی نمیتوان دانست، لفظ تحقیق بیانگر کدام معنی

\* نام و نشان نویسنده و مشخصات دیگر این نوشته در پایان مقاله آمده است.

است. معذک با استفاده از لغتنامه‌ها میتوان حد و مرز مفهوم « تحقیق » را تا اندازه‌ای مشخص ساخت و گفت: تحقیق « کوشش و تلاش برای یافتن امری معین » و خصوصاً « کوشش و تلاش ذهنی و فکری » است. تحقیق بدین معنی گزارشگر « مجموعه‌ای از کارها و فعالیت‌های فکری است که درصدد کشف معارف جدید ( علم ) و یا وسایل بیان ( هنر و ادبیات ) است » بدین ترتیب مفهوم تحقیق با جستجوگری ذهن و فکر و بازجویی مبتنی بر روش ۱، به منظور یافتن امری معین، مرتبط میشود. به بیانی دیگر میتوان گفت « فعالیت‌های تحقیقی »، آن قسم از فعالیت‌های فکری هستند که حاوی عنصر نوآوری یا ابداع اند. با حضور این عنصر میتوان فعالیت‌های مورد نظر را تعیین کننده راهی تازه و هموارسازنده مسیر آن تلقی کرد. در نتیجه این قسم از فعالیتها در مقابل فعالیت‌هایی قرار میگیرند که به معارف و روشها و فنون مآثور و مستقر تمسک میجویند. بنابراین فعالیت‌هایی نظیر فعالیت‌های تعلیماتی و حرفه‌آموزی را نمیتوان با عنوان « تحقیق » معنون ساخت، مگر آنکه این امور عهده‌دار تعلیم نحوه انجام تحقیق و یا اشاعه نتایج تحقیق باشند<sup>۲</sup> اما بروشنی درسی یا پیم که در این حالت، دو فعالیت هم‌معنان هستند، یعنی فعالیت تحقیقی با فعالیت تکراری تعلیمات دوش بدوش پیش میروند.

نکته دیگر آنکه: لفظ تحقیق با تحقیق علمی و یا تحقیق قوانین علمی مترادف نیست. مقصود از تحقیق ممکن است تحقیق در امور واقع و داده‌ها، یا پژوهش اسناد و مدارک و یا تحقیق در باره همسازی و هم‌آهنگی و عقلانی بودن یک دسته از فعالیت‌های مشخص بشر و نظایر اینها باشد. روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در قلمرو حقوق همانند قلمروهای دیگر، بطور کلی، میتوان دو نوع عمده تحقیق را از

یکدیگر متمایز ساخت. *رساله جامع علوم انسانی*

۱ - تحقیق حقوقی معرفتی

۲ - تحقیق حقوقی علمی

بحث ما در این مقاله حول این دو محور دور میزند.

## ۱

### تحقیقات حقوقی معرفتی

در این بخش به تفصیل نمی‌گروائیم: اصولاً این مطالب تحت عنوان « نظریه عمومی

۱ - هنگامیکه بازجویی و بازبینی را مبتنی بر روش میسازیم، در واقع اندیشه نظم و قرار و سامان را

در کار تحقیق به کرسی می‌نشانیم.

۲ - باید یادآور شد که موقعیتهایی از این گونه در قلمرو حقوق فراوان است.

حقوق» و یا «فلسفه حقوق» مورد مطالعه قرار بگیرند. میتوان گفت که در قلمرو حقوق این نوع تحقیق اساسی‌تر و بنیادی‌تر از دیگر تحقیقات است و اگر بخواهیم دقیق باشیم باید تعبیر «تحقیق بنیادگذار» را بکار ببریم چون در این مقام غرض ما پژوهش در باره نفس تحقیق حقوقی، ایجاد موضوع تحقیق و سروسامان دادن به فعالیت‌های تحقیقی مربوط به این موضوع است.

الف - در مرحله اول بنای تحقیق معرفتی بررسی در باره موضوع مورد تحقیق حقوقدان محقق به گونه‌ای است که بتواند هویت وحدانی خاص این موضوع و نیز ساختار آن را از وراء مفاهیمی عرضه کند که بطور تقریبی این موضوع را در تجربه روزمره گزارش می‌نمایند. در واقع بقصود باز یافتن و تشریح و توصیف شیوه اصیلی است که موضوع مورد بحث را وارد جولانگاه معرفت میسازد، و در نظرگاه تحقیق قرار میدهد. بدیهی است که حقوقدان محقق نباید این شیوه اصیل را نادیده بینگارد.

این جستجو در باره موضوع تحقیق حقوقی را میتوان در سطوح مختلف به انجام رساند، یعنی هم در زمینه حقوق بطور کلی و عام و هم در سطح قواعد و نیز پدیدارهای حقوقی<sup>۲</sup> و بخش‌های گوناگون حقوق به جستجو پرداخت (برای مثال «حقوق عمومی»: حقوق عمومی داخلی چیست؟ «یا» «حقوق خصوصی»).

ب - مرحله دیگر از تحقیق معرفتی، جستجو در باره طبیعت و ماهیت فعالیت‌های متعالی تحقیقات در قلمرو حقوق (و یا بخشی خاص از آن است). باید دید که حقوقدانان محقق دقیقاً به کدام نوع از فعالیتها سپردارند؟ بطور کلی حقوقدانان محقق مدعی اند که در زمره «عالمان» اند و یا «علم حقوق» سرو کردارند اما آیا چنین است؟ روشن کردن این امر با تحقیقات معرفتی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. مآل جامع علوم انسانی

### تحقیقات حقوقی عملی

معمولاً، هم در رشته‌های علوم طبیعی و هم در رشته‌های علوم انسانی، تحقیق «بنیادی» (یا پژوهش ناب) را از تحقیقات «علمی و عملیاتی» (یا تحقیق فنی) جدا می‌کنند. غالباً تحقیق بنیادی را با علم یکی می‌گیرند و با توجه به همین معنی است که «علوم خاص» را در برابر «فنون» یا «علوم عملی و کاربردی» قرار میدهند. اما در علوم انسانی این تقسیم‌بندی صحیح بنظر نمیرسد، زیرا با حفظ این تقسیم گزارش و تبیین رشته‌های مربوط به

۳- یعنی پدیدارهایی که با قواعد حقوقی در ارتباطند.

تاریخ دشوار است. در واقع بهتر است که تحقیق بنیادی را آن قسم از فعالیتها بدانیم که بی‌ضرانه و بطور خالص عینی است و دل‌مشغولیهای «عملی» ندارد. البته این وضع حداقل در طول جریان کار وجود دارد، چون باید پذیرفت که تحقیق بنیادی نیز میتواند «جهت‌دار» باشد و در مقام حل مسائل فنی، درصدد عرضه دستاورد نظری خود برآید.

با اینهمه هنگامیکه محقق در فعالیت مربوط به تحقیق بنیادی در برابر موضوع تحقیق قرار میگیرد، باید شیوه رفتاری بی‌طرفانه و بدون جهت‌گیری داشته باشد یعنی از آن فاصله بگیرد و در مقام و موقعیت رصدگر بنشیند. دقیقتر بگوئیم، تحقیق بنیادی به منزله «بایگانی پرونده تاریخ» است یعنی کار آن نظاره‌گری و ترصد و بازیابی و تعیین محل امور واقع و بازنگاری حوادثی است که در مسیر پرجوش و خروش تاریخ جریان یافته است و نیز تعلیم و دبقه‌بندی و استقرار رابطه نظام واره میان آنهاست. همچنین تحقیق بنیادی درصدد کشف قوانین کلی و عامی است که گزارشگر ظهور زنجیره‌ای رشته حوادثی از یک نوع میباشد و نیز بیانگر چگونگی ظهور و بروز این حوادث در جریان تاریخ است<sup>۴</sup>.

هدف تحقیق کاربردی نیز کشف موارد اعمال قوانین علمی در جریان عمل و تجربه و تبدیل دانش و آگاهی علمی به مهارت و کاردانی و به قواعد و تکنیک و فن است این مطب را «گوبلو» در رساله منطقی خود (۱۹۲۱) با مثال ساده زیر بیان میکند:

«در قضیه علمی میگوئیم: هر آبی که حاوی فلان میکروب باشد موجب تب تیفوئیدی کسی میشود که از آن آب بیاشامد.»

«و در قاعده عملی میگوئیم: اگر می‌خواهید که از ابتلاء به تب تیفوئیدی در امان باشید از آبی که حاوی این میکروب است ننوشید.»

امروزه، در جنب تحقیق بنیادی و تحقیق عملی از تحقیق ناظر به توسعه سخن گفته میشود. اما در واقع مقصود، بخش بسیار پیشرفته تحقیق کاربردی است که درصدد استفاده از نتایج تحقیق بنیادی در زمینه مسائل و اهداف اقتصادی و تولیدی است. برای مثال به سفور وارد بازار کردن نیچره یک کشف آزمایشگاهی و بر مبنای آن به تحقیق در باره تهیه نمونه صنعتی آن میپردازند.

همانطور که در ابتدای بحث گفتیم، در تحقیقات حقوقی، تقسیم بندی میان تحقیق بنیادی و تحقیق کاربردی بدقت قابل اعمال نیست. راستی را بخواهیم در این جولانگاه، دو نوع خاص تحقیق هست که با اشتغالات و دل‌مشغولیهای علمی محقق مرتبطند: «تحقیق آنتروپولوژیک» و «تحقیق فنی یا تکنولوژیک». گرچه تحقیق نوع اول با مفهوم تحقیق بنیادی تطابق دارد، اما تحقیق نوع دوم با مفهوم تحقیق کاربردی تطبیق نمی‌کند.

۴- قوانین تب از اینگونه‌اند: هنگامیکه شرایط «الف» و «ب» تحقق یابند باید پدیدار «ج»

ضمناً یادآور میشویم که جنبه نظری این تقسیم فراوان است و نمی‌توان برنامه تقسیم کار مزبور را بطور کامل میان حقوقدانان محقق عملی ساخت. یعنی یک حقوقدان محقق مسکن است حتی در یک نوشته به عرضه پژوهشهای تکنولوژیک و آنتروپولوژیک و نیز معرفی بپردازد.

**الف - تعقیق حقوقی آنتروپولوژیک** - این زمینه از تحقیق را میتوان بخشی از مردمشناسی تلقی کرد، و از زمره رشته‌هایی دانست که انسان و امور مربوط به وی و نیز پدیدارهای فعالیت انسانی را که در جریان تاریخ ظاهر میشوند، مطالعه می‌کند. در اینجا موضوع مطالعه پدیدارهای حقوقی‌اند، یعنی آن مجموعه از وقایع مربوط به فعالیت انسانی و آن دسته از سلوکها و طرز رفتارهای بشری که با حقوق ارتباط دارند (خصوصاً فعالیت‌های انسانی در زمینه ایجاد، انتشار، ادراک و کاربرد معیارها و ضوابط حقوقی و بطور وسیعتر، فعالیت‌های انسانی که در ارتباط با حقوق به کرسی نشست‌اند. از قبیل تکنولوژی، تعلیمات، ایدئولوژی، اخلاق، کوشش‌های مرتبط با طرز تفکر ما بعدالطبیعی و جهان‌شناسی)

یادآور میشویم که در این مقام ما با توجه به مقوله خاصی از وقایع تاریخ بشری به قلمرو حقوق نزدیک میشویم، یعنی مقصود ما، پژوهش در باره انسان، موقع و منزلت انسانی و تجربه تاریخی بشر در ارتباط با قلمرو حقوق است.

همانطور که در مورد تحقیق بنیادی اشارت شد، این تحقیق بی‌غرضانه و بدون دل‌مشغولیهای کاربردی هم، دارای دو سطح است: از طرفی در این تحقیق به ایجاد آشیو تاریخ بشر در ارتباط با حقوق می‌پردازیم، یعنی به بازیابی و استقرار پدیدارهای گوناگون حقوقی (در زمان و مکان) و تأسیس رابطه‌ای مبتنی بر روش توجیه داریم. البته میتوان این قسم از فعالیت علمی را «تاریخ حقوق» نامید اما نباید آن را با کارهای جزئی دیگری درهم آمیخت که در قلمرو حقوق تحت همین عنوان انجام می‌یابد. از سویی دیگر، در این تحقیق سعی میشود قوانین کلی و عامی کشف شود که گزارشگر ظهور زنجیره‌ای یک نوع از پدیدارهای حقوقی است. این زمینه همان زمینه «علم حقوق» است. در واقع علم حقوق به معنی اخص، تحقیق در باره قوانینی است که در جریان برخورد و خروش تاریخ براساس آن قوانین، مقولات گوناگون پدیدارهای حقوقی و پدیدارهای انسانی مرتبط با حقوق، حاصل میشوند یا عرض وجود می‌کنند. در این پژوهش ضمن احراز برخی از همبستگی‌ها و بعضی اتفاقات که در جریان حوادث تاریخی مشاهده میشوند - تهیه و تدوین ضوابط و معیارهایی مدنظر قرار می‌گیرند، که با فرمولهای دیگر علوم قابل مقایسه‌اند از این قبیل که:

« وقتی فلان یا بهمان وضعیت پدید آمد، فلان نوع یا تیپ از پدیدار اجتماعی ایجاد میشود و یا ممکن است ایجاد گردد. »

باید توجه داشت که علم حقوق را نباید با فعالیتهایی اشتباه کرد که غالباً با عنوان

«جامعه‌شناسی حقوقی» معنون میشوند: از طرفی خراهم دید که اینگونه فعالیتها بیشتر در قلمرو تحقیق تکنولوژیک قرار میگیرند، و از طرف دیگر علم حقوق همانند دیگر علوم انسانی پدیدارهای حقوق را در دو سطح مورد توجه و تفهم قرار میدهد: گاه علم حقوق به سلوک و طرز رفتار گروههای انسانی، بعنوان موضوع معرفت نظر می‌کند، در این حالت رشته‌ای از جامعه‌شناسی است، و گاه علم حقوق سلوک و طرز رفتار فردی انسان را بعنوان موضوع معرفت مدنظر قرار میدهد، در این حالت علم مذکور رشته‌ای روان‌شناختی است و یا به تعبیری دیگر «روان‌شناسی حقوقی» است که وظیفه‌اش مطابق تعریف «کاربونی»<sup>۵</sup> مطالعه پدیدارهای حقوقی بعنوان امور واقع فردی و عکس‌العملهای فرد در مقابل حقوق است. تحقیقاتی که در باره روان‌شناسی قضائی انجام یافته و یا مطالعاتی که مربوط به بررسی «قانون دوستی» و یا عشق به قوانین است از این قبیل اند<sup>۶</sup>

علم حقوق چه از جنبه جامعه‌شناختی و چه از جنبه روان‌شناختی با همان مشکل بقیه علوم انسانی، یعنی مشکل ابهام و عدم تعیین پدیدارهای انسانی، روبروست. حتی در حال حاضر برخی از علوم «طبیعی» نیز، مانند فیزیک کوانتیک، با این گرفتاری مواجهند. با اینهمه دشواری مذکور جنبه مطلق ندارد و با یاری و دستیاری حساب احتمالات میتوان بر آن غلبه کرد. البته بنیای فنون حساب احتمالات هم در آخرین تحلیل وجود کم و بیش معماگونه نظم و نسق در زمینه اعداد بزرگ میباشد.

در یک رشته از پدیدارهای فردی نامعین ممکن است به وجود نظم و نسق‌هایی پی‌برد که میتوان آنها را قوانین روان‌شناختی احتمال گرانامید (برای مثال: «در اوضاع و احوالی از این گونه، این اندازه احتمال وجود دارد که فلان نیب از افراد، دارای فلان تیپ از سلوک و طرز رفتار باشند».)

در اشل گروه‌هایی که دارای سلوک‌ها و طرز رفتارهای نامعین هستند، نیز میتوان همین قسم نظم و نسق را احراز کرد و آنها را در قالب قوانین جامعه‌شناختی بیان نمود. (مثلاً «در شهرهایی که دارای فلان ابعاد جمعیتی و مساحت و . . . . . هستند همه ساله . . . درصد جرم اتفاق می‌افتد».)

ب - تحقیق حقوقی تکنولوژیک - برخلاف تحقیق آنتروپولوژیک در تحقیق تکنولوژیک حقوق بعنوان مجموعه‌ای تلقی میشود، از آلات و وسائل و ابزار، یعنی قواعد حقوقی یا قواعدی از سلوک بشر که قوای عمومی دولت آنها را به کرسی می‌نشانند و نیز پژوهش

5 - CARBONNIER . DROIT CIVIL, I . 1960 . P - 29

۶ - نگاه کنید به نوشته کاربونیو تحت عنوان: «علاقه شدید به قوانین در قرن روشنگری» (بولتن آکادمی بلژیک، قسمت ادبیات جلد ۶۲، ۱۲ - ۱۹۷۶ ص ۴۵۰ و مابعد) همچنین نگاه کنید به: مقالات پسیکوپاتولوژی درباره حالت روانی بحرانی افرادی که فکر ثابتهی درباره حقوق خود پیدا می‌کنند حالتی که میتوان حالت «برافه طلبی» و نیز «شرخری» نامید.

یادشده حقوق را بعنوان یکی از فنون انسانی (که همان تکنیک اداره و راهبری جوامع توسط قوای عمومی حاکم است) ، مدنظر قرار میدهد .

در این مقام حقوقدان محقق ، درصدد کنار زدن پرده اسرار آمیز تاریخ بشر نیست بلکه بنای وی عقلانی ساختن تکنیک حقوقی ست . در واقع این انسان اندیشه ورنیست که درصدد شناسائی خویش برسی آید و برای اینکار از خود نیز ، بعنوان موضوع معرفت ، فاصله میگردد . بلکه انسان صنعتگر است که در باره خود و در مورد تجربه سازندگی خویش نسبت به امور حقوقی ، با هدفی انتفاعی و در جستجوی پیشبرد و عقلانی ساختن آنها ، تدبیر می کند . در این معنا تکنولوژی حقوقی ، همان نظریه تکنیک حقوقی است . بی شک این نظریه میتواند به نتایج تحقیق حقوقی بنیادی تکیه کند ولی به « علم عملی و کاربردی » - که همان تحقیق در کاربردهای فنی قوانین علمی باشد - قابل تحویل نیست . در واقع تحقیق حقوقی عملی ، تحقیقی است که متوجه برخی از تکنیکهای موجود است و به تحقیقی توجه ندارد که درصدد است از طریق تبدیل آگاهی علمی به مهارت و کاردانی ، تکنیکهایی را بنیادند اساساً بسط و توسعه تکنولوژی حقوقی دو جهت را تعقیب می کند ، از طرفی دینی عقلانی کردن تکنیک حقوقی تأسیسی است . یعنی شیوههای ایجاد و انتشار ضوابط و معیارهای حقوقی را مدنظر دارد ، « ژنی » این قسم تحقیق را که تحقیق در باره شیوههای عقلانی تدوین و راه اندازی وسائل و ابزار حقوقی است ، « معرفت شناسی حقوقی » و یا « روش شناسی حقوقی » نامیده است . اما احتمالاً این تعابیر ما را به اشتباه می اندازند . بنابراین بهتر است آن را « تکنولوژی قانونگذاری » و یا عقلانی ساختن شیوههای ایجاد حقوق بنامیم . از طرف دیگر ، هدف تکنولوژی حقوقی ، عقلانی کردن تکنیک حقوقی مستقر یا ضوابط و معیارهای حقوقی تعیین شده است ، از اینجاست که به « قلمرو جزئیات حقوقی » و « قلمرو تحقیق حقوقی جزئی » وارد میشویم که متوجه آن قسم از وسائل و ابزار گوناگون حقوقی است که از طرف قوای عمومی دولت به صورت « جزئی » عرضه میشوند و تحقیق مذکور سعی دارد در داخل این جزم ، نظم و نسق و همسازی را ، در ضمن ایجاد همبستگی میان قسمتهای مختلف موجود این جزم ، مستقر سازد و نیز با استفاده از تفسیر عقلانی متون ، کمبودها و تناقضهای گوناگون را از میان بردارد و نقائص غیرقابل تصحیح را اعلام نماید و راهحلهای تازه را پیشنهاد کند .

این فعالیت در دو چشم انداز صورت پذیر است :

۱- مقایسه حقوق ملی لازم الاجراء با نظامهای حقوقی گذشته ( آنچه معمولاً تاریخ حقوق خوانده میشود و به رشته های جزئی حقوق در طول تاریخ نظر دارد ) .

۲- مقایسه حقوق ملی با نظامهای حقوقی خارج ( که معمولاً حقوق تطبیقی نامیده میشود )

تا این زمان عملاً ، تحقیق حقوقی جزئی در فعالیتهای محققان جنبه مسلط داشته و تقریباً

### مبانی تعریف تحقیقات حقوقی / ۵۹

تمامی علم حقوق را دربرگرفته و تعلیمات دانشگاهی هم بهین سنخ تحقیق محدود بوده‌اند . البته در این بیان « علم حقوق » معنای مفهوم جزم حقوقی است . اما در واقع باید این امر را سؤ تعبیری دانست که نزد حقوقدانان محقق تقریباً عمومیت دارد . مثلاً بنظر کاربویه : حقوق ( که جمعی از علما آن را جزمی میخوانند ) « علم » است زیرا بیان کننده نظام واره قواعد تشکیل دهنده آن دسته از تنظیمات حقوقی است که منطقاً با وحدت نظام هماهنگ

میباشد . »<sup>۷</sup>

کلسن نیز همین نظر را بیان میدارد و میگوید : « همانطور که ادراکات حسی تنها هنگامی بصورت یک نظام واحد ، عالم یا طبیعت درمیآیند که بیان ادراکات مذکور با واسطه معرفت علمی ، نظم و قرار لازم به کرسی بنشیند ، به همین ترتیب نیز توده درهم ضوابط و معیارهای حقوق - چه عمومی و چه فردی - که واضح ساز واره‌های حقوقی و مواد و مصالح معین علم حقوق میباشند هنگامی بصورت یک نظام گزارشگر وحدتی عاری از تناقص در میآیند و به عبارت دیگر به صورت یک نظام حقوقی عرض وجود می کنند که فعالیت معرفتی علم حقوق را همراه داشته باشند . »

اقوال دیگر در همین معنی فراوان است و بطور خلاصه بنای این موضعگیری‌ها برخط مفهوم « علمی » و « عقلانی » استوار است . فعالیت « نظام بخش » عالم حقوق که عبارت از تهیه و تدوین قوانین مربوط به سیر امور و در نتیجه « به قالب کشیدن » جریان جوشان و خروشان تاریخ میباشد ، یک امر ، و فعالیت « تنظیم کننده » حقوقدانان جزم گرا ، امری دیگر است . کر دوم یک کار فنی است و بنای آن مرتب ساختن ، روشن کردن و توضیح و ارزیابی وسائل و ابزار حقوقی و نظم و نسق بخشیدن به ضوابط و معیارهای حقوقی با هدفی کاملاً علمی و کاربردی است ، به منظور ایجاد هماهنگی و همسازی و عقلانیت در پدیدارها و جستجوگری و یافتن روندها و فرایندهای جریان واقعیت . حقوقدان ، صنعتگر و صاحب فنی است که در پی عقلانی کردن استفاده از وسائل و ابزار و ارتقاء تجربه هنرمندانه خویش است . یادآور میشویم که دامنه تحقیق تکنولوژیک تنها به مطالعه قواعد حقوقی انتزاعی محدود نمیشود . نمیتوان چشمها را فروبست و به محیط تاریخی بشر نظر نکرد ، محیطی که تجربه حقوقی در متن آن جولان دارد . بنابراین در تحقیق تکنولوژیک ، همانند تحقیق آنتروپولوژیک واقعیت انسانی تاریخی و سلوک و طرز رفتار بشری ، در زمینه آفرینش و استفاده از ضوابط و معیارهای حقوقی ، مدنظر قرار میگیرد .

اما به حساب گرفتن داده‌های روان شناختی و یا جامعه شناختی نباید ما را با شتاب

(7) Droit Civil, I, 1977, p. 34

(8) Kelsen. Théorie pure du Droit. 2. éd. Paris-Dalloz, 1962. pp: 98-99.



پیدا کرد و گمان کنیم که بدین ترتیب تحقیق تکنولوژیک به تحقیق آنتروپولوژیک مبدل میشود. دل مشغولی محققان در این دو رشته، همواره با یکدیگر تفاوت دارند، حتی هنگامیکه کار تحقیق آنولوژیک فراسوی متون و مجموعه‌های حقوقی انجام مییابد، همواره با نظر انتقادی و ذینفع و با طرز تلقی فنی و در جستجوی عقلانیت و همسازی و اثر بخشی به دستاوردهای حقوقی نگریسته و درباره آنها قضاوت میشود، و به طور متعین نتایج اجتماعی آنها ارزیابی میگردد. نظری اینگونه با نظر بی‌اعتنا و بی‌طرفانه و بی‌غرضانه ناظر آنتروپولوژیک متفاوت است.

\* \* \*

بعنوان نتیجه می‌گوئیم که « تحقیق حقوقی دربرگیرنده فعالیت‌های فکری و ذهنی باطبیع و ماهیات متنوع است. حتی در صورتیکه این فعالیتها عملاً، توسط یک گروه از حقوقدانان محقق انجام یابد، نظر به اینکه فعالیت‌های مذکور با نوع کار و دل‌مشغولی و شیوه رفتار محقق در قبال قلمرو حقوق ارتباط مییابند، اساساً با یکدیگر متفاوتند: شیوه‌های رفتار مورد بحث عبارتند از:

- شیوه رفتار معرفت‌شناختی.

- شیوه رفتار آنتروپولوژیک، یعنی شیوه‌ای که رصدگر جلوه‌های فعالیت تاریخی بشر در ارتباط با حقوق است.

- شیوه رفتار صاحب فن، یعنی شیوه رفتار صنعتگر و تکنیسین حقوق.

بنابراین تحقیقات حقوقی باید در این سه جهت، راهبری شوند.\*

والسلام

ترجمه و تحریر از: حسن حبیبی

\* اصل این مقاله به زبان فرانسوی است و مشخصات آن به شرح زیر است:

Paul AMSELEK.

Éléments d'une définition de la recherche juridique. in : ARCHIVES DE PHILOSOPHIE DU DROIT. « les biens et les choses. » tome: 24.1979. Paris. éd Sirey, pp : 297 - 305.